نصب برچسب یا قیمت گذاری

پس از تجربیات ناخوش‏آیند که از قیمت- گذاری بدست آمد و سبب ایجاد بازار سیاه و معاملات پنهانی و رد و بدل‏های زیرمیزی شد، تصور میرفت دولت دست از این روش برداشته و معاملات را به عرضه و تقاضای آزاد و مکانیسم‏ بازار سپرده است که البته شرط لازم-و نه‏ کافی-برای عملکرد آن،دوری گزیدن از هر نوع انحصار و شبه انحصار دولتی و خصوصی و اقدامات محتکرانه(از قبیل توافق قبلی‏ فروشندگان بر سر قیمت میباشد.

در جهت نظم بخشیدن به دادوستد داخلی‏ کشور،مقرر گردید مانند تمام کشورهای پیشرفته‏ جهان،فروشندگان-از طریق اتحادیه‏ها و سندیکاهای صنفی خویش بر روی کالاهای خود برچسب نصب نمایند.

نصب برچسب مطلقا بمعنای قیمت‏گذاری‏ یکنواخت نیست.بلکه فروشنده با توجه به تمام‏ محاسبات اقتصادی و جانبی اعلام میکند که‏ امروز این کالا را به این قیمت میفروشد و تا زمانی‏ که آن برچسب بر روی کالا وجود دارد فروشنده‏ ملزم است قیمت مندرج در آن را رعایت کند. حال در کشورهائیکه مالیات ارزش افزوده‏ ( Value added Tax )وجود دارد این‏ مالیات در هنگام پرداخت وجه کالا به صندوق، روی آن کشیده میشود و در همان هنگام نیز بحساب بستانکار دستگاه مالیاتی از فروشگاه‏ مربوط منظور میشود و معمولا اینکار از طریق شبکه‏ کامپیوتری فروش فروشگاهها و یا دستگاههای‏ الکترونیکی فروش،که کنترل آنها بعهدهء وزارت‏ دارائی است،صورت میگیرد.

نصب برچسب،که قیمتها آزادانه در آن‏ گنجانیده شده،ممکن است از یک روز تا روز دیگر تغییر کند،چندین فایده دارد:

نخست اینکه هر خریدار مجبور نیست جداگانه‏ و درباره قیمت هر کالا از فروشنده یا فروشندگان‏ یک فروشگاه سئوال کند.بلکه کافی است شخصا یکایک کالاهای مورد پسند را بازدید نموده و برچسب قیمت آنرا نگاه کند.

(البته برچسب مشخصات فنی کالا و نام و آدرس‏ کارخانه سازنده مساله دیگری است که معمولا مؤسسه‏های استاندارد در کشورهای مختلف‏ بر نحوهء کار و صحت آنها نظارت میکنند،که‏ بحث جداگانه‏ایست و انشاء الله ما نیز جداگانه‏ آنرا مورد بررسی قرار خواهیم داد).

بهر صورت با آزمایش عینی کالا و مشاهده قیمت آن،خریدار بدون اینکه تحت کمترین‏ فشار واقع شود-قیمتها را با قدرت خرید خود و قیمتهای دیگر کالاهای مشابه در سایر فروشگاهها مقایسه میکند و تصمیم به خرید میگیرد یا از خرید منصرف میشود.

دوم اینکه وقتی فروشنده آشکارا خود را در رقابت با تمام کسانیکه در آن رشته فعالیت دارد می‏بیند،سعی میکند روی کالای خود قیمتی‏ بگذارد که مشتری پسند باشد و باین ترتیب عملا به سود حاشیه‏ای،که کمترین سود قابل‏ تحصیل در یک بازار رقابتی میباشد،اکتفا میکند والا بکلی بایستی از بازار خارج شود.(در بارهء این پیش فرض جداگانه بحث خواهیم‏ کرد.)

سوم اینکه دستگاه مالیاتی از طریق عواملی‏ که برای کنترل قیمتها دارد و از جمله فاکتور فروش و کنترل مداوم ماشینهای ثبت فروش‏ ( Cash Register )نسبت به دریافت‏ مالیات حقهء خود،میتواند سیر قیمتهای‏ روزانه را زیر نظر داشته باشد و تا سر حد امکان‏ مالیات قانونی و حقه را وصول کند.

چهارم اینکه با برچسب قیمت روی کالاها بتدریج رسم چانه زدن از بین میرود و کار و کسب‏ روال منطقی پیدا میکند.

پنجم اینکه تهیه آمار برای شاخص قیمتها بسیار آسانتر میشود.

فوائد دیگری نیز در امر برچسب گذاری وجود دارد که بمنظور اجتناب از طول مقال از بحث‏ دربارهء آن خوداری میکنیم.

اما مساله اینست که آیا باید به کنترل قیمتها توسط دولت باز گردیم با بگذاریم مکانیسم بازار آزاد عمل کند؟در این صورت چه اقداماتی باید مقدمتا صورت گیرد تا اقتصاد بازار آزاد قابل‏ اعمال و عملکرد باشد؟

به نظر نویسندهء این مقاله علی‏الاصول‏ تعیین قیمت نباید بعهدهء این یا آن سازمان‏ دولتی یا شبه دولتی باشد.در حقیقت قیمت‏ را عرضه و تقاضا و مکانیسم بازار تهیه میکند و اگر کالائی کمیاب باشد قیمت آن،آنقدر بالا میرود تا فقط خریدارانی که قادر به پرداخت‏ با آن قیمت هستند در بازار می‏مانند.این امر سبب میشود که سود سرشاری عاید اینگونه تولید- کنندگان و عرضه کنندگان گردد.و متأسفانه‏ نقطهء تعارض در اقتصاد و تولید و مصرف در کشور ما نیز از همین جا آغاز میشود.بعبارت‏ دیگر،عده‏ای بصورت متوالی وارد جریان داد و ستد و مداخله میشوند که چرا قیمت فلان و بهمان‏ کالا تا آن حد بالا رفته و فروشندگان چنین و چنان سود می‏برند و سعی میکنند جلو چنین‏ سودی را بگیرند.باید توجه داشته باشیم که‏ همین سود بالاست که بعنوان انگیزه فعالیت، گروه جدیدی از افراد را وارد سرمایه گذاری در رشته مذکور مینماید به امید آنکه نیز آنها چنین‏ سودی ببرند.لیکن ورود کالاهای مشابه جدید عرضه را افزایش میدهد و قیمتها را خواه ناخواه‏ پائین می‏آورد تا آنجا که نهایتا عرضه و تقاضا در مورد کالای مورد بحث برابر شود و سود فروشندگان در حداقل تثبیت شود.آنگاه فعالان‏ جدید متوجه رشته‏های دیگری خواهند شد که‏ سود در آنها همچنان زیاد است و باز این دور سود-سرمایه گذاری-افزایش تولید-تعادل‏ عرضه و تقاضا و تثبیت نسبی قیمتها ادامه‏ می‏یابد و به این ترتیب اقتصاد راه خود را بسوی‏ پیشرفت و کمال طی میکند.هر یک از این‏ جریانات سرمایه گذاری سبب توسعهء اشتغال و نهایتا توزیع عادلانه‏تر در آمدها و ایجاد و تقویت طبقه متوسط جامعه میشود.

بنابراین از سود موقتی بالا در این یا آن‏ رشته نباید هراسید بلکه باید آنرا بعنوان انگیزه‏ سرمایه گذاری جدید تلقی کرد.

در اینجاست که وظیفه دولت شروع میشود. در حقیقت تنظیم مکانیسم لازم و ایجاد زمینهء عملکرد اقتصاد بازار وظیفه حساس دولت است‏ که نباید لحظه‏ای در آن درنگ کند.این یک‏ جریان دینامیک است که دائما بر روی عوامل‏ دیگر تأثیر گذاشته و از آنها تأثیر می‏پذیرد و انعکاس خود را روی جریان تولید و قیمتها نشان میدهد.بنابراین به مراقبت مداوم و انجام اصلاحات متناسب با جریان بازار نیاز دارد.از جمله:

اما بالاخره این حقیقت بر جای می‏ماند که‏ عده‏ای سودهای حساب نشده مداوم نبردند.در این راه از یک سو باید از هر نوع انحصار و شبه‏ انحصار پرهیز کرد تا رقبای جدید-همانطورکه‏ گفته شد-وارد بازار شوند.از دیگر سو بجای‏ اینکه جلوی درآمد افراد گرفته شود باید تلاش شود تا سرمایه گذاری در صنعت توسعه یابد و درآمد بوجود آید و بر ارزش‏ افزوده جامعه افزوده شود.طبعا و دستگاه‏ وصولی باید به اصلاحات اساسی دست بزند تا بتواند مالیات حقه را وصول کند که در این راه‏ مالیات بر مصرف نیز میتواند و باید بعنوان‏ عاملی کارساز در جهت گسترش عدالت اجتماعی‏ وارد کار شود.الزام فروشنده،در هر سطح و با هر مقدار کالای فروخته شده برای صدور و دادن‏ فاکتور به مشتری و الزام تمام فروشگاهها به داشتن‏ ماشینهای ثبت فروش که زیر کلید دستگاه وصولی‏ مالیات باشند از جمله اقدامات زمینه ساز عملکرد اقتصاد بازار هستند و باید خواه ناخواه صورت‏ بگیرد.

نباید اجازه دهیم که امر اصولی نصب برچسب‏ قیمت روی کالاها با موضوع کنترل و تعیین قیمت‏ در هم مخلوط شود.

البته این نکته را هم ناگفته نمی‏گذاریم که‏ گاه در شرائط اضطراری یا به هر دلیل دیگر ممکن‏ است قیمتها بیش از حد انتظار بالا رود و مردم‏ تحت فشار قرار گیرند.در این موارد-فرضا در زمان جنگ،یا مضیقه شدید ارزی-مداخلهء دولت برای توزیع عادلانهء کالا برای تولید و عملکرد مکانیسم بازار آزاد که ممکن است مدتی‏ طول بکشد،سبقت میگیرد.این امور از موارد تجویز مداخلهء دولت است،لیکن باید همواره‏ موقتی فرض شده و اجازه دهیم نهایتا مکانیسم بازار آزاد عمل کند.